



1800 Club

شناسی : میدان امام حسین (ع) فویزه (بازار شهرام ، طبقه چهارم تلفن ۷۶۰۶۶۳

فوق العاده ویژه پاسدار

بنابر این در آیه فوق (۱۴۳ بقره) ناس (مستضعفین خود آگاه)،

سالنامه (۱۳۹۸)

و حال پس از دریافت صورت کلی از چگونگی انتقال فرهنگ انقلاب از پیشگاه به ناس، به شرح جزییات آن میپردازیم:

۲۵-سوره حدید، مکتبم انتقال فرهنگ پیشگاه را به ناس، جهت بخود آگاهی رساندن آنان مطرح میکند:

ترجمه:

نگاه مینی که از این سخن امام دریافت میشود این است که درصحن عمل (خود آگاه کردن مستضعفین) به سخی ها و مشکلائی برخوردیم که به ظاهر ادامه حرکت را غیر ممکن جلوه میدهد، نباید نا امید شویم. و نا که سخن ما و عمل ما در وی هیچ تأثیری ندارد، (حتی بحصره الموت) نباید دست از تلاش و کوشش جهت خود آگاه کردن وی برداریم.

والهجره فاشه علی حد الاول، امام در اینجا بر این نکته تأکید دارد که، پس از اینکه حد برائت را بر مستضعف مرده (برده از نظر خود آگاهی) جاری سازید و از هدایت وی نا امید شدید، خیال نکنید که حرکت شما قطع شده و به پایان رسیده است، حیر، اکنون زمانی است که باید همچون پیامبر (علی حد الاول) هجرت کنید، پیامبر پس از اینکه دید مکی ها چشمه های خود آگاهیان کور شده و دیگر طریقت پذیرش حقیقت را ندارند و اصلاً قابل اصلاح نیستند، حد برائت را برایشان جاری کرد و دست به هجرت زد تا در زمینه ای دیگر به فعالیت بپردازد (۱). و سخن امام در اینجا خطاب به پیشگاه است و بر این اشعار دارد که، شما هم باید چنین کنید.

ما کان الله فی اهل الارض حاجه من مستر الامم و ملتها، امام در اینجا، برای اینکه پیشگاه را از اندیشیدن به ناکنکبهای فرعی و فراموش کردن هدف کلی، بر حذر دارد، اعلام میکند که شما در فکر این نمانید که چون پیامبر هجرت مخفی بود پس ما هم باید مخفی هجرت کنیم، مخفی با آشکار هجرت کردن بستگی به شرایط زمان دارد که باید خودتان با شناخت شرایط عینی جامعه مان ناکنکب مناسب را جهت هجرت برگزینید. مهم نفس هجرت است نه چگونگی آن، مهم این است که شما باید هجرت کنید، حال ناکنکب چگونه هجرت کردن، بسته به شناخت خودتان از شرایط، اجتنای زمانتان دارد، بنابراین نباید خود را در قید و بند ناکنکبها اسیر کنیم تا در نتیجه هدف اصلی از یادمان برود.

لا یغی اسم الهجره علی حد الا بعرفه الحجه فی الارض، مهمترین ویژگی مهاجر، شناختی است که وی از حجت فی الارض دارد، حجه فی الارض دارد، حجه فی الارض صورت عینی نوربهای مکتب است که در یک شخص (امام) جلی یافته است، بدین ترتیب امام بر این نکته تأکید دارد که پیشگاه، علاوه بر اینکه باید نوربهای مکتب (قرآن) را خوب بشناسد (ایمان قلبی) باید نمونه عینی این نوربها را هم بشناسد و آگاه شودی ها را بر اساس صورتهای عینی، در خود پیاده کند. زیرا اگر فقط نوربهای ذهنی را بداند، در پیاده کردن آنها به اجزای کشیده خواهد شد، یعنی «مرحله» غایبی پس الغلوب و الصدور» (یعنی مرحله پیاده کردن ایمان در عمل) باید در نظر گرفتن الگوی عملی مکتب باشد.

فمن عرفها و اقربها فهو مهاجر، ششم در حدیثی معروف ایمان را شامل سه مرحله میداند، ۱- نورب ۲- تبلیغ ۳- عمل. (الایمان اعتقاد بالحقان (ایمان قلبی - عرفها) و اقرار بلسان (اقرارها) و عمل بالارکان (مهاجرت) بهایران در اینجا وقتی سخن از عرفها و اقرارها می آید، مقصود مرحله اول و دوم ایمان است، و مرحله سوم آن در عمل پیشگاه (مهاجر) یعنی هجرت، نهفته است.

ولا یغی اسم الاستضعاف علی من یلقنه حجه مستفها اذنه و عساها قلبه، کسی که حجت به او رسیده، و پیشگاه تمام تلاش و کوشش را جهت به خود آگاهی رساندن وی بکار برد و با کوشش تبدیلش به فایز دریافت کرد (یعنی ایمان قلبی با شناخت قلبی پیدا کرد، اما آن را به مرحله عمل نیاورد) دیگر مستضعف نامیده نمیشود، برای روشن شدن مطلب به آیه ۹۶ سوره نساء توجه می کنیم:

ان الذین یوفیهم الملائکه طالی اسمهم قالوا فیهم کتبم قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم یکن ارض الله واسعة فیها جروا فیها فاولئک ماواههم جهنم و ساء مصرا، این مبین این حقیقت است که کسانی که با وجود امکانات (هم از نظر شناخت و هم از نظر مکتب) عمل، مهاجرت نکرده اند، جز مستضعفین بحساب نمی آیند.

آنگاه امام در ادامه، سخنی خطاب به پیشگان میفرماید: بدرستی که کار ما بسیار سخت و طاقت فرساست، و کسانی را که باری تحمل سختی ها و مشقات این راه هست که خداوند ایمان قلبی آنها را در عمل آزمایش کرده باشد. و اینها هستند که سنت ما (رفار - گفار - مند) را در سینه های محکم (عمل بر اساس شناخت) و خردهای پا بجای (شناختهای مکتبی) خویش، حفظ میکنند.

ترجمه:

۱- البته باید توجه داشت که هجرت فقط به بنای هجرت آتافی یا علمی نیست، بلکه همه گونه هجرت را میباید شامل شود اعم از هجرت آتافی، هجرت انسانی، تاریکست به خویش هجرت نظامی...

به سوره رعد، اطلاق نمیشود، بهر صورتی که کار ما (پیشگانان) بسی سخت و مشکل است، و آن را به سوره بقره، یعنی که خداوند قلب او را توسط ایمان آزمایش کرده است، عمل نخواهد شد، و سنت ما را به جز سینه های امن و عزم های با بر خاست، نمیتواند...

امام، در این بخش از خطبه سخن از ایمان و عمل و رابطه این دو با یکدیگر به میان میآورد، البته این ایمان و عمل در رابطه با پیشگاه مطرح است. آنگاه به زمینه، یعنی ایمان پیشگاه، یعنی مستضعفین اشاره میکند. سپس هجرت را بعنوان یک اصل هنجاری در رابطه با حرکت پیشگاه، بیان میکند و بعد از آن مهاجر و سپس مستضعف را معرفی میکند. حال به بررسی جزئیات مفاهیم این خطبه میپردازیم:

فمن الایمان ما یوکی نالیا "صدرا" فی الغلوب، سخن از ایمان است فرارگاه از عینی، قلب، حالت در اینجا به مرحله ای از مراحل شناخت نسبت، بلکه مخزن و مرکز تجمع نوربهای مکتبی است. ایمان قلبی عبارتست از آگاهی به نوربها و استناداردهای مکتبی، و قلب عبارتست از محرابی که دارای این نوربها در یافته ای که در ضمن یک پیوسته تحقیقی، از مکتب (اسلام) بدست میآید و مجموعه آنها آگاهیهای ما و برداشت ما را از مکتب تشکیل میدهد. در قلب استغراب می یابد.

و منه ما یوکی عواری پس الغلوب و الصدور، صدر، عبارتست از: مخزن شناختیهای زائیده عمل، فسیان شناختیهای آگاهی از نوربها و استناداردهای مکتبی است که برای پیاده شدن در عمل، بصورت عاریه (ایمان) پس قلب (آگاهی) او صدر (شناخت) قرار میگیرد (بسته بر این صدر عبارتست از مرکز عملکرد نوربهای قلبی)، چنانچه نوربهای مربوط به مدت، یعنی بصورت عاریه پس قلب و صدر باقی خواهند ماند و چنانچه از مرحله عاریه عبور کرده و به عمل در آیند، در یک رابطه معادلی باعث اردن شناخت و عمل میگردند و این پیوسته (پیوسته تبدیل آگاهی به عمل و بالعکس) در یک سیر بی انتها ادامه پیدا خواهد کرد، اما چنانچه انقضای مدت معین (احل شناخت) همچنان سرگردان و بلا تکلیف پس قلب (مرکز آگاهی) و صدر (مرکز شناخت) باقی بماند، از پس خواهد رفت و در نتیجه حلقه اعمال شناخت و عمل ناپدید شود و رابطه نوربهای با برانک قطع میشود و در این صورت انسان زوالیست و واقفرا، تبدیل به یک انسان ایده الیست و ذهنکرا میشود، علیرغم اینکه از نظر شناخت نوربها و استناداردهای مکتبی در سطحی معنایی فراتر از همه چیز میباید و هر سؤال مکتبی که از او بیرون بیاید در حواصت آفات و اجابت فراوان فکار خواهد کرد، اما اگر عمل به این نوربها، وی از بی نیست و خود او در عمل، اولین نافی نوربهای ذهنکرا باشد، خویش خواهد بود.

بنا بر این می بینیم که ممکن است کسی وجود داشته باشد که از نظر ایمان قلبی، شناخت نوربها و استناداردهای مکتبی، بنوان او را یک آگاه تمام عیار دانست اما از نظر ایمان صدوری (ایمانی که از عمل سه نوربهای مکتبی جوینده میشود) با کف حرف باشد.

نگاه مهم دیگری که از این قسمت سخن امام دریافت میشود این است که جریان ایمان از طرف قلب به طرف صدر است، یعنی عمل انسان باید بر اساس شناخت قلبی وی انجام شود نه بالعکس. آنگاه برای عمل اصالتی پیش از شناخت فایز و عمل را مقدم بر شناخت معنادار، سه سرونعت را بومی برآگاهانم خنک منجر خواهم شد، چنین کسی در حالی که بخاطر عقیده اش (البنه عقیده ای که اساسش بر احسان استوار است نه بر شناخت) حاضر است دست به هر کاری بزند و همه گونه هتکاری بکند و میکند، و با تمام دشمنان عقیده اش سخت مخالف و دشمن است، اما اگر عقیده خودش از وی حویا شوی، در جواب خواهد ماند و پاسخی نخواهد یافت. هر چند که مستمعین به عقیده خودشان اصرار ورزد و با پشیمانی کند اما بعلت عدم شناسایی صحیح نوربها و استناداردهای مکتبی خویش در ضمن عمل، به بن بست حرکتی خواهد رسید و در آن صورت اگر دست از عقیده خویش بردارد، جای بسی تعجب خواهد بود.

بنا بر این قبل از پرداختن به دفاع از مکتبی و عقیده ای و قبل از تلاش و کوشش در جهت تحقق آن عقیده، میباید شناخت کافی و عمیق از آن عقیده و مکتب داشته باشیم تا بدایم که چه میخواهیم دفاع کنیم و خواهان پیاده کردن چه چیزی در عمل می باشیم.

فاذا کانت لکم برأه من احد ففرو حتی یحصره الموت، عند ذالک یغی حد البراءه، سخن امام در رابطه با پیشگاه حرکت مستضعفین بود، زیرا این پیشگاه است که با شناخت نوربها و استناداردهای نوعی، سعی در پیاده کردن آنها در عمل، دارد، و بدان عمل او مستضعفین میباید، آنگاه امام خطاب به پیشگان میفرماید، چنانچه در ضمن خود آگاه کردن (کسی از مستضعفین) به این نکته واقف شدید که تلاش و کوشش شما جهت هدایت وی بی نفع است، و در نتیجه از وی دست بردارید و سعی و کوشش خویش را ادامه دهید تا رانیکه احساس کند سخن شما و عمل شما بخاطر سینه بودن چشمه های خود آگاهی وی توسط تبلیغات و تبلیغات و تهدیدات مستگیر خشکیده است و به برگ حرکتی (سکون) رسیده است، در انحراف از وی بردارید و حد برائت را بر وی جاری کنید.

"لقد ارسلنا رسلنا بالنبات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط و ارسلنا الحدید فیہ یاس شدید و مافع الناس و لیعلم الله من یصدقه و یسله بالنبات ان الله قوی عزیز - به تحقیق رسولان خویش را با نبات فرستادیم، و با انسان کتاب و میزان را نازل کردیم تا ناس (خود) قیام به قسط کند و نازل کردیم آهن را که در آن حسی فراوان و مافعی برای ناس میباید و بدین خاطر نا، خدا معلوم کند که چه کسی او را و رسولانش را در غیب باری خواهد داد، بدرستی که خداوند بنوای با عزت است". آیه قوی مابکر مراحل حرکت اینها، در رابطه با حرکت مستضعفین میباید.

مطابق آنچه که گفتیم، مستضعفین، توده مردم به صف گرفته شده ای هستند که حاصل یک جریان انحرافی اجتماعی میبایند (۱). مستگیر، نتیجه بهم خوردگی توازن موجود بین حرکت خصلتهای نفسانی افراد اجتماع میباید که این بدیده (مستگیر) جهت رشد سلطه جویی خویش، دست به ایجاد زمینه مناسب میزند، که این زمینه مناسب در رابطه با مستگیر، مستضعف میباید، و بزگی عمده مستضعف از دیدگاه قرآن، آگاه بودن وی به حرکت مستگیر میباید.

آیه ۷۵ نساء... یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلیها (... اما علیرغم این آگاهی، مستضعف به سکون نشسته و هیچ حرکتی ندارد، چرا که در قدرت و تواناذهای خویش، جهت مقابله با مستگیر خود آگاهی ندارد. به همین جهت رسالت پیامبران عبارتست از ایجاد خود آگاهی در مستضعف از طریق آگاه کردن وی به نیروها و تواناذهای وجودیش جهت سازش با مستگیر. اما مکتبم حرکت اینها، در راه الله، این خود آگاهی به مستضعفین، مبتنی بر دو بعد است. بعد اول ایجاد خود آگاهی انسانی در افراد بخصوصی جهت تشکیل حزب و بعد دوم ایجاد خود آگاهی اجتماعی در مستضعفین، به کمک حزب.

اولین مرحله حرکت پیامبران در رابطه با پیشگاه

است «و غیره با انقسام»

بنابراین هدف پیامبران عبارتست از ایجاد خود آگاهی انسانی اجتماعی در مستضعفین. اما مند یا روشی که برای انجام این کار، بر وجهی گزینند سنی بر سه بعد "تلاوت"، "تزکیه"، و "تعلیم" میباید (سوره جمعه آیه ۲: "هو الذی یبعث فی الاممین رسول منهم یتلو علیهم آیاته و یتذکرهم و یعلیهم الکتاب و الحکمه... اوست خدایی که در میان اممین رسولی از خودشان برانگیزد تا آیات وی را برایشان "تلاوت" کند و ایشان را "تزکیه" کرده، کتاب و حکمت "پیاموز" (... اما این سه بعد حرکتی، تنها در رابطه با پیشگاه، جهت تشکیل حزب میباید.

الف - تلاوت: عبارتست از خواندن آیات هستی برایشان (پیشگاه) تا بدینوسیله به وجود میزان در هستی بی برسد. قرآن عبارتست از شکل نوربگ فوایس حاکم بر آفرینش، قرآن مجید رزمه جویبار است که با آهنگ خویش وجود جویبار را ثابت میکند.

قرآن ترم آواز بلبل است که ما را از وجود خویش آگاه میکند. قرآن رزمه جویبار هستی و ترم آواز آفرینش است. رزمه و آوازی که بیان کننده نظم و میزان در کل آفرینش می باشد. و بدین خاطر است که قرآن را باید با تلاوت خواند تا این تلاوت، میزان در هستی را به الفاء، کند.

آیات ۸ و ۹ سوره الرحمن، میزان در هستی را به سه صورت بیان میکنند: ۱ - میزان در طبیعت و الساء رفعا و وضع المیزان ۲۰ میزان در انسان (الا نظوا فی المیزان) ۳ - میزان در اجتماع (واقبوا الوزن بالقسط و لا تخسر المیزان) (۳).

بنابراین پیامبران با تلاوت آیات، وجود میزان در کل آفرینش را به پیشگاه الله، میکنند.

ب - تزکیه: عبارتست از انعکاس میزان طبیعت، در وجود انسان و اجتماع. بنابراین تزکیه بر دو نوع است: ۱ تزکیه انسانی (نفسانی) ۲ - تزکیه اجتماعی.

تزکیه نفسانی (انسانی) زمانی است که انسان میزان موجود در طبیعت را در وجود خویش منتقل کند، یعنی حرکت خصلتهای نفسانی اش را بر اساس نظم میزان موجود در طبیعت، شکل دهد. تا در نتیجه، خصوصیهائی انسانیش بر آن اساس شکل پذیرند. در این صورت میگوئیم که در حرکت خصلتهای نفسانی انسان و نیز در صورت خصوصیات انسانی وی، میزان و تعادل برقرار شده است. پس، نفس انسان تزکیه شده است، از انحرافات پاک شده است، کجی هایش از بین رفته است، حرکتش میزان شده است. در این صورت انسان به فلاح (رستگاری) رسیده است. (سوره شمس آیات ۷ و ۹: "و نفس و ما سوها - فالها فجرها و تقویها - قذالغ من زکیها").

اما میزان اجتماعی، زمانی برقرار میشود که حرکت اجتماع بر اساس حرکت طبیعت میزان شود. هر دو دارای یک میزان شوند. در این صورت انحراف حرکتیهای اجتماعی، بر اساس میزان طبیعت، به اعتدال میرسد،

تاریخچه: ۱- به تدریج اول (چگونگی پیدایش...) مراجعه کنید. ۲- توضیح بیشتر در این مورد در پیام شماره (۲) آمده است.

(۲) - توضیح بیشتر در این مورد در پیام شماره (۲) آمده است.

نامی از جامع‌پس می‌جامه و غواصین رشدن از رستمیای عینی دوشی حرکت مردم و روابط اقتصادی - سیاسی ... حاکم بر جامعه، من سطح یابند، تا با نوازند از این طریق پس و سرمد بلی اعدات باشد، و رستمیجده ران باهای عثکات خود را در جامعه، بحوی درک کند، تا سواند بهفهمد کهمدر درمک عثک المنهای ابداع شده در مردم چه موسمکری باید ابداع و اگر بهنگام فقهیه بیش عیدنی، سیاسی صلح یابند، و بازو آکنشده

شناسایی دیاسیزم اجتماع و روابط حاکم بر آن باید از بکار بردن مندهائیکه در مورد تحلیل پدیده‌های طبیعی بکار می‌رود، در رابطه با تحلیل مسائل انسانی - اجتماعی، خود داری کرد. با کار بدایه‌گرای مندها در مورد

پیشگام با شناخت تئوریهای مکتب حرکت خود را که مبتنی بر سمرجله - تلاوت ۲- ترکیه ۳- تعلیم است، شکل میدهد و در نتیجه به خود آگاهی دست به جوش دست می یابد (ترکیه، هسانی میثود) . و با شناخت بهایسم احیاء و روابط اجتماعی اقتصادی - سیاسی حاکم بر آن، صیت به یاس، به خود آگاهی دست می یابد (۱) .

[illegible]

مزرعه با گارخانه) به این کار مصادرت ورزید. برای روشن شدن چگونگی «نا» خود آگاهی اعتقادی - سیاسی توسط بهشتام به ناس، باید به حالت گانگی ناس و مستضع از دیگاه قرآن، توجه نائیم. قرآن در رابطه با ف معیشت انبیا» این نکته را برای ما روشن مسازد که مردم، در رابطه حرکت اجتماع و سلطه گری مستبکر (کدینا میسم آن در ذر اول «کتاب

ادیش... (طریقه) دارای دو حالت می باشد: ۱- مستصحب ۲- پاس
استصحب: استعاضا از استعاضا در فقرات، دلالت بر حالت خوبی
نمی گوید بر خلاف در شرایطی که سطح ک جهت رشد خوش، بر خلاف
در نگاه فرار داده است، می کند. در این حالت، بر خلاف طریقه خود
نمی گوید و فری می رود، هیچ اما غرضی بلند نیست و به سنها اضماعی
می گوید و فری... و در می دهد. بر خلاف در این حالت به طلم
می گوید و فری می رود، اما غرضی ندارد (برای سنها تا عیادت... و سا
خیا من هذه القرية الظالم أهلها...) به سهرها و نوانانی حوس
می گوید. دارای: «میروماعوم» می بلند، اما «میر واما باسهم»
می دهد. با نیت... و سا

[illegible]

بمطالعه با بزرگان این است که مستمعین عزیزند از ریشه اوردی که به سطرطه که به صف فکری شده اند و برخی است از رابطه با سطرطه که با کلمات است به تکنیکها و لفظی است سطرطه آگاهی دارند. این راه های ناسی خوش خود آگاهی دارند و در نتیجه این خود مردم به باس میازاری رسیدند این و در نتیجه به کسب کسب شده اند و کسب خود مصلحت دارند. اینه قوه اول تکنیک میگویند که این سطرطه آگاهی رسکن سطرطه آگاهی است که "ن" و به مرحله "میدان" و (واکنش لافلاشی ...) یعنی بیگانه از این احاطت است به مستمعین با ابتدا از حمله خود شروع کند تا بتواند توسط خود "فرشاده" بازرسه با سکتورین است و بهام و خویش را به مستمعین و او آنها را از این طریق به خود آگاهی برساند.

لعل همان لذت و سرگشته، با بزرگان مردم خود آگاهی مستمعین است

شبهای خویش است، زیرا که مستضعفین از پروردگار طلب نصرت و
همدلی و یاری می‌خواهند و سرخوردگی مبارزانی خود را اعلام می‌کنند.

۱) البته باید این نکته را در نظر داشت که تکوین ایدئولوژی برای
بدون شجاعت و دیبا میسر اجتماع و روابط حاکم بر آن ممکن نیست.

د. مراد در حرکت خویش توسط مسلح شدن به یک پیشرفت اعتقادی
است که پیشگام می‌باشد پس از شایع شدن این مضمون اجتماع و روابط
دست مایه‌ها و تاکتیکها و استراتژیهای جهت اثبات مطالب
د.